



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در این بود که کافر از مسلمان ارث نمی برد ولی بالعکس مسلمان از کافر ارث می برد و گفتیم که کافر گاهی کافر اصلی است و گاهی مرتد می باشد و مرتد نیز دارای سه موضوع می باشد؛ اول مرتد فطری، دوم مرتد ملی و سوم مرثه ای که مرتد شده باشد، یکی از تفاوت‌های کافر با مرتد در این است که اگر وارث مسلمانی نداشته باشد خود کفار بین خودشان هر صنفی از صنف دیگر ارث می برد ولی مرتد اگر وارث مسلمانی نداشته باشد ورثه کافر از او ارث نمی برند بلکه وارث او امام علیه السلام می باشد.

مطلب در بین فقهاء ما مسلم است منتهی یک خبر مخالفی داریم که می خوانیم، خبر این است: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بَأَسْنَادِهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَصْرَانِي أَسْلَمَ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى النَّصْرَانِيَّةِ (مرتد ملی شده) ثُمَّ مَاتَ قَالَ: مِيرَاثُهُ لَوْلَا نَصْرَانِي، وَمُسْلِمٌ تَنَصَّرَ ثُمَّ مَاتَ قَالَ: مِيرَاثُهُ لَوْلَا الْمُسْلِمِينَ.»<sup>۱</sup>

گفتیم که اگر در میان وارث مرتد مسلمان نباشد میراثش به دیگر ورثه کافر او نمی رسد بلکه متعلق به امام علیه السلام می باشد ولی این خبر می گوید میراثش متعلق به ورثه نصرانی او می باشد، خب از نظر سند خبر صحیح است ولی مضمون خبر عند الفقهاء شاذ و معرض عنده می باشد و فقهاء ما به آن عمل نکرده اند از این جهت خبر مردود می باشد.

خب و اما مقداری از روایات مربوط به مرتد را خواندیم و عرض کردیم که مقداری از روایات در باب ارث ذکر شده و مقداری در باب حدود، بجثمان بسیار مهم است زیرا در اجراء حدود بحث به ولایت فقیه به عنوان مجری حدود نیز ارتباط پیدا می کند.

اخبار مربوط به بجثمان در کتاب حدود وسائل الشیعة در ابواب حد المرتد ذکر شده، حدود در اسلام در پنج مورد اجراء می شود:

اول حفظ اموال مردم که حد سرقت مربوط به همین می باشد.

دوم حفظ عقل مردم که به شراب و مسکرات مربوط می شود.

سوم حفظ عفت مردم هم عفت فردی و هم عفت عمومی که مربوط به زنا و لواط و امثال ذلک می باشد.

چهارم حفظ امنیت عمومی مردم که مربوط به محارب و راه زن و کلاً برهم زندگان امنیت عمومی می باشد.

پنجم حفظ فضای اسلامی جامعه که با مرتد شدن مربوط است از این جهت که وقتی کسی مرتد می شود اثر گذار است و فضای اسلامی جامعه را مسموم می کند، این پنج مورد بسیار مهم می باشند.

خب و اما بجثمان با چند چیز دیگر نیز ارتباط پیدا می کند یکی همان ولایت فقیه است بالاخره در غیاب امام معصوم فقیه عادل جامع شرایط باید این احکام را اجراء کند البته نوع فقهاء ما مثل شیخ انصاری در مکاسب و شرح و محشین مکاسب ولایت فقیه را قبول نکرده اند ولی امام رضوان الله علیه در کتاب البیع مفصلاً ادله را مطرح و بحث کرده و ولایت فقیه را اثبات کرده علی‌آی حال بحث ما با اجراء حدود مرتبط می شود و در زمان غیبت این از شئون فقیه می باشد و مواردش همان پنج موردی است که عرض کردیم.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۳۸۵، ابواب موانع ارث، باب ۶، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

مرتد شد از او می خواهند توبه کند و اگر توبه نکرد کشته می شود، چند خبر از این باب سوم می خوانیم:

خبر اول: « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنِ الْعَمْرِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ، قَالَ: قُلْتُ: فَنَصْرَانِي أَسْلَمَ، ثُمَّ ارْتَدَ؟ قَالَ: يَسْتَتَابُ فَإِنْ رَجَعَ، وَإِلَّا قَتَلَ.»<sup>۴</sup>

خبر دوم: « وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ مَجْبُوبَ، عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الْمُرْتَدِّ يَسْتَتَابُ فَإِنْ تَابَ، وَإِلَّا قَتَلَ الْحَدِيثُ.»<sup>۵</sup>

نکته: استاد بزرگوار ما آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان در تفسیر آخرین آیه سوره آل عمران: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۶</sup>، حدودا پنجاه صفحه مطلب نوشته اند که یکی از آنها این است که بر مردم لازم است که برای خودشان حکومت و ولایتی داشته باشند که بالاخره این نیز به ولایت فقیه می رسد، علی ای حال ما باید در فقه علاوه بر روایات به قرآن نیز توجه داشته باشیم و در حوزه های علمیه علاوه بر بحث در روایات در آیات قرآن نیز باید بحث شود.

خب و اما یک بابی نیز در ادامه وجود دارد که اخبار مربوط به مرثه ای که مرتد شده در آن ذکر شده که این شاء الله فردا بحث خواهیم کرد... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطاهرين

خب و اما در مورد مرتد فطری در کتاب حدود وسائل الشیعة در باب ۱ از ابواب حدود المرتد اینطور ذکر شده: "باب ۱: أن المرتد عن فطرة قتله مباح لكل من سمعه، وذكر جملة من أحكامه"، چند خبر از این باب را به عنوان نمونه می خوانیم:

خبر اول: « مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبَ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَمَنْ جَحَدَ نَبِيًّا مَرَسَلًا نَبَوْتَهُ وَكَذَبَهُ فِدْمَهُ مَبَاحٌ، قَالَ: فَقُلْتُ: أَرَأَيْتَ مَنْ جَحَدَ الْأَمَامَ مِنْكُمْ مَا حَالَهُ؟ فَقَالَ: مَنْ جَحَدَ إِمَامًا مِنَ اللَّهِ وَبَرِيءٌ مِنْهُ وَمَنْ دِينَهُ فَهُوَ كَافِرٌ مُرْتَدٌّ عَنِ الْإِسْلَامِ، لِأَنَّ الْأَمَامَ مِنَ اللَّهِ وَدِينَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ بَرِيءٌ مِنَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ وَدَمُهُ مَبَاحٌ فِي تِلْكَ الْحَالِ إِلَّا أَنْ يَرْجِعَ وَيَتُوبَ إِلَى اللَّهِ مِمَّا قَالَ، وَقَالَ: وَمَنْ فَتَكَ بِمُؤْمِنٍ يَرِيدُ نَفْسَهُ وَمَالَهُ فِدْمَهُ مَبَاحٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي تِلْكَ الْحَالِ.»<sup>۲</sup>

خبر دوم: « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا، عَنْ ابْنِ مَجْبُوبَ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُرْتَدِّ فَقَالَ: مَنْ رَغِبَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَكَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ إِسْلَامِهِ فَلَا تَوْبَةَ لَهُ وَقَدْ وَجِبَ قَتْلُهُ وَبَانَ مِنْهُ أَمْرُهُ وَيَقْسَمُ مَا تَرَكَ عَلَى وَلَدِهِ.»<sup>۳</sup>

احادیث این باب در مورد مرتد فطری زیاد هستند بقیه را خودتان مطالعه کنید.

خب و اما در مورد مرتد ملی در باب سوم اخباری ذکر شده، تفاوت مرتد ملی و فطری در این است که مرتد فطری وقتی مرتد شد باید کشته شود اما مرتد ملی وقتی

<sup>۴</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۵۴۷، ابواب حدود المرتد، باب ۳، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

<sup>۵</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۵۴۷، ابواب حدود المرتد، باب ۳، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

<sup>۶</sup> سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۵۴۴، ابواب حدود المرتد، باب ۱، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

<sup>۳</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۵۴۴، ابواب حدود المرتد، باب ۱، حدیث ۲، ط الإسلامیة.